

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدل گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا

## ۵۱۲

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۱ فروردین ۱۳۸۸، ۳۱ مارس ۲۰۱۰

سر دبیر، منصور فرزاد - عبدل گلپریان

### به یاد کمون پاریس



منصور فرزاد

بود، شهر رنگ و روی دیگری داشت و صدای خنده و آواز مردم پاریس را زیبا نموده بود. هزاران نفر همراه با نیروهای مسلح گارد ملی خود را به تالار شهرداری رساندند تا شاهد اعلام آزادی پاریس از طرف کمیته

صفحه ۶

روز ۱۹ مارس ۱۸۷۱، هنگامیکه پاریس در محاصره نظامی پروس قرار داشت، هزاران نفر از کارگران همراه افراد گارد ملی و بقیه اقشار محروم پاریس به خیابانها ریختند. بعد از ماهها گرسنگی و فشار جنگ فرانسه و پروس و محاصره طولانی مدت پاریس، مردم با رقص و پایکوبی در کوچه و خیابانها ظاهر شدند و پیروزی خود را جشن گرفتند. کمیته مرکزی گارد ملی در تالار شهرداری مستقر شده بود و حکومت کمون را اعلام کرد. اهتزاز پرچم سرخ بر فراز شهرداری تمام مردم را به خیابانها کشانده بود. همه چیز دوست داشتنی

### سخنرانی مینا احدی در کنفرانس اجلاس جامعه بین المللی حقوق بشر در بن آلمان

ترجمه: مریم جبارزاده



مینا احدی

صحبت میکنیم که تناقضهای فراوانی در آن وجود دارد. ایران کشوریست با رژیم دیکتاتور و خشن. هرروز شاهد اخبار جدیدی از اعدام، اعمال خشونت در زندانها، تجاوز به زندانیان و سنگسار مردم هستیم.

در آلمان فعالیتهای من در عرصه های مبارزه علیه اعدام، سنگسار و مبارزه علیه بی حقوقی زنان معرف حضورتان هست

در ایران رژیمی اسلامی با قوانین اسلامی حاکم است. این به این معناست که در ایران رژیمی حاکم است که حقوق پایه ای زنان، کودکان و در واقع همه شهروندان

صفحه ۲

مهم صحبت میکنیم. در مورد کشوری با نقض گسترده حقوق انسانی، به نام ایران. ما امروز در مورد کشوری

خیلی متشکرم و خوشحالم از اینکه امروز اینجا حضور دارم من فکر میکنم ما امروز در مورد يك مشکل بسیار جدی و

### برپایی تظاهرات در برابر بازداشتگاه جمال صابری در ژاپن

صفحه ۵



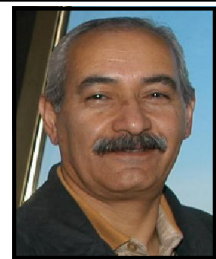
زنده باد حکومت انسانی! برقرار باد جمهوری سوسیالیستی!

### تلاش برای یک اول مه قدرتمند و با شکوه

کارگران در سراسر جهان این روز را گرامی می دارند و کیفرخواست طبقه کارگر و انسانیت را علیه نظام سرمایه داری اعلام می کنند. روز جهانی کارگر تنها مختص به کارگران نیست بلکه روز حق خواهی کل جامعه و روز میلیونها انسان به بند کشیده شده توسط نظام گنبدیده سرمایه داری

صفحه ۲

است. در ایران تحت حاکمیت رژیم ضد کارگر و ضد انسان، این روز در زیر سرنیزه جنایتکاران اسلامی برگزار میشود. هر سال جشن تولید کنندگان نعمات جامعه از سوی اوباشان حاکم بر ایران، با زندان، شکنجه و شلاق پاسخ میگردد.



عبدل گلپریان

یکماه به اول مه روز جهانی کارگر مانده است. هر سال

#### گزارش کنفرانس حقوق بشر در آلمان

صفحه ۳ مریم جبارزاده

شاید در زندان آزادتری، دل نوشته ای از همسر و فرزندان جعفر پناهی

صفحه ۴

صدور حکم بر آنت محمود صالحی پس از گذشت یکسال

صفحه ۵

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## سخنرانی مینا احدی در کنفرانس اجلاس جامعه بین المللی ...

از صفحه ۱



جامعه را بشدت نقض میکند. در ایران دست و پا قطع میکنند و در حضور پزشک چشم کور میکنند.

در عین حال ایران کشوری است با درصد بالایی از نسل جوان و با قدرت بسیار عظیمی برای تغییر. ایران با اینکه تحت حاکمیت رژیم ارتجاعیست، زمینه های بسیار مساعدی برای تحقق یک دنیای بهتر را دارد.

در ایران جنبش های وسیع زنان، جنبش سکولاریستی، جنبش قوی کارگری و جنبش دانشجویان وجود دارد

از هشت ماه گذشته ایران به نظر من شاهد یک انقلاب عظیم است

انقلابی برعلیه رژیم دیکتاتور و بر علیه دخالت مذهب در زندگی انسانها

امروز هیچ حزب و سازمانی در اپوزیسیون جرات دفاع از مجازات اعدام را ندارد، بلکه برعکس ما شاهد عروج یک جنبش عظیم علیه اعدام و سنگسار در جامعه هستیم

با اینحال وقتی در مورد آینده ایران فکر میکنم، نگرانیهایی دارم. در ایران قریب ۱۰۰ است که ما برای یک زندگی بهتر و آزادی، علیه حکومت های دیکتاتور حاکم مبارزه می کنیم. اما متأسفانه همواره شکست خورده ایم.

مسئله ای که به نظر من بسیار اهمیت دارد اینست که در حکومت آتی ایران باید حق آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده صد درصد تضمین شود!

هیچ چیز نباید مقدس باشد! و هرگونه انتقاد از همه مقامات دولتی و سیاسی و انتقاد از مذهب و پرچم و میهن باید آزاد باشد.

دولت موظف است تنها به امورات دولتی بپردازد و اجازه ندارد به تعصبات ملی، مذهبی و قومی دامن بزند.

در ایران آتی نباید هیچ گونه فرهنگ و هنر دولتی و رسمی و یا تعصب گروهی دولتی وجود داشته باشد.

نقطه آغاز رعایت حقوق بشر اینست که دولت یک ارگان نتوترال باشد و از آزادی بیقید و شرط بیان عقیده و انتقاد برای همه دفاع کند.

دیگر بس امان است که به نام خدا، شاه، پیغمبر، پرچم و وطن دستگیر و اعدامان کنند.

ناسیونالیسم و مذهب همواره از مشکلات جدی ما در ایران محسوب میشدند و در حال حاضر در ایران شاهد روند مثبت فاصله گرفتن از این مقوله ها هستیم.

حقوق بشر باید سکولار و انسانگرایانه تعریف شده و کلیه قوانین وحشیانه و اسلامی باید سریعاً لغو شوند.

آزادی یعنی حق برخورداری از آزادی بی قید و شرط بیان، یعنی حق تشکیل، گردهمایی و تجمع

یعنی اینکه بتوان بدون ترس از هرگونه تحریم و مجازات کاریکاتور کشید

اگر من رئیس جمهور ایران باشم، هرکسی اجازه خواهد داشت در مورد من طنز بنویسد و مزاح بگوید. هرکس حق دارد مرا مورد انتقاد قرار دهد و این امرابداً نباید مجازاتی در پی داشته باشد. انتقاد از مقامات حکومتی نباید به دشمنی یا خدا و میهن، یا هتک حرمت و غیره تعبیر شود.

امروز ایران توان پیروی از

تجارب مبارزات مردم اروپا علیه مذهب و در دفاع از رفاه و حقوق انسانی را دارد.

ایران یک کشور جوان، ثروتمند و با تواناییهای بالاست. در ایران میتوان یک حکومت مدافع برابری و در خدمت منافع عمومی جامعه ایجاد کرد. حکومتی کاملاً سکولار متعهد به رعایت حقوق برابر زن و مرد و رعایت حقوق همه انسانها، یک حکومت انسانی.

خیلی متشکرم

متن ترجمه فارسی سخنرانی دوم خانم مینا احدی در چهارچوب اجلاس سالانه جامعه حقوق بشر در شهر بن آلمان

۲۶ مارس ۲۰۱۰

## سخنرانی مینا احدی در پانل در مورد مجازات اعدام

من مینا احدی هستم و از سال ۲۰۰۱ در کمیته بین المللی علیه اعدام فعالیت میکنم. من دو هفته پیش در چهارمین نشست بین المللی کمیته علیه اعدام در ژنو بودم و آنجا ر همین مورد صحبت کردم. میل دارم صحبت خود را به همون شکل شروع کنم.

رابطه من با کلمه اعدام فقط از روی فعالیتتایم با کمیته علیه اعدام نیست. بلکه من خود طعم تلخ مجازات اعدام را چشیده ام. وقتی جمهوری اسلامی به قدرت رسید، ما به همون شکلی که در کلیسی که اینجا به نمایش گذاشته شد یک ماشین تحریر داشتیم و از آن برای تایپ و فعالیت علیه رژیم اسلامی استفاده میکردیم.

من متعلق به نسلی هستم که از ابتدا بر علیه این رژیم فعالیت میکردیم. وقتی خمینی به قدرت رسید و اولین حکم رو علیه زنان صادر کرد و گفت "یا روسری یا توسری" ما به خیابانها رفتیم. من آن زمان دانشجوی رشته پزشکی در دانشگاه تبریز بودم.

ما در تبریز فراخوان دادیم و پیرو آن فراخوان حدود ۲۰۰۰ نفر از زنان و مردان آزادیخواه بویژه زنان به

صفحه ۳

## تلاش برای یک اول مه ...

از صفحه ۱

سال قبل در روز قدرت نمایی طبقه کارگر در ایران، ۱۰ تشکیل کارگری بیانیه ای به مناسبت اول مه انتشار دادند که یک گام بزرگ در پیشروی جنبش کارگری بود. اقدام این ده تشکیل کارگری و خواست و مطالبات طرح شده در قطعنامه صادر شده این تشکلهای، نه تنها خواست و مطالبات کل جامعه را بیان میکرد بلکه اساساً کیفرخواست کارگران و میلیونها انسان در مقابل توحش نظام سرمایه داری بود.

امسال در شرایطی کارگران به استقبال روز جهانی کارگر می روند که اعتراضات، تجمعها و اعتصابات زیادی را در سال گذشته برای احقاق حقوق پامال شده خود و بر بستر انقلابی که ۹ ماه است جریان دارد پشت سر گذاشته اند. ۱۱ اردیبهست امسال می تواند روز تعیین کننده ای در بالابردن سطح خواست و توقعات کل جامعه و پیشروی بمراتب بیشتری در روند انقلاب مردم باشد. حال و هوای اوضاع سیاسی امروز ایران و بعد از ۹ ماه مبارزه بی امان کل جامعه برای به چالش کشیدن یک حکومت جنایتکار، این امکان را فراهم نموده است که کارگران در سطح وسیع و گسترده ای در ۱۱ اردیبهست قدرت نمایی کنند.

در کردستان نیز برگزاری اول مه روز جهانی کارگر به سنتی جا افتاده تبدیل شده است. تشکلهای کارگری با فراخوان خود برای برگزاری این روز و با صدور قطعنامه های رادیکال که در واقع کیفرخواست کل جامعه علیه نظام سرمایه داری و حکومت حامی این نظام یعنی جمهوری اسلامی است، می توانند در همگامی با هم طبقه ای های خود در سراسر کشور، پایه های این حکومت و نظام وحشی سرمایه داری اش را بلرزه در آورند.

جنبش کارگری تجارب، درسها و دستاوردهای بسیار گرانبهایی را در مبارزات چندین ساله خود به همراه دارد. از هم اکنون باید وسیعاً و سازمانیافته برای تدارک این روز آماده شد. باید



۳۰ مارس ۲۰۱۰

## سخنرانی مینا احدی در کنفرانس اجلاس جامعه بین المللی ...

از صفحه ۲

## گزارش کنفرانس حقوق بشر در آلمان

تهیه و تنظیم: مریم جبارزاده گزارشگر کانال جدید



مریم جبارزاده

وقومی پرداختند. مشخصا در خصوص تعقیب بهائیان، دراویش و کسانی که از دین اسلام خارج میشوند بحث و گفتگو شد.

پانل دوم که ساعت ۲۰ آغاز و تا پاسی از شب ادامه داشت بار دیگر به موضوعات آزادیهای فردی و حقوق انسانی اختصاص داده شد.

در این بخش خانم مینا احدی به عنوان اولین سخنران این پانل سخنرانی خود را پیرامون مجازات اعدام ایراد کرد. خانم احدی در این سخنرانی به مواجهه ی از نزدیک خود با مقوله اعدام چه در ظرفیت شخصی و چه به عنوان فعال جنبش علیه اعدام اشاره کرد و همزمان بر لزوم مبارزه برای لغو مجازات اعدام و سنگسار تاکید نمود.

خانم ها مهین موسی زاده و دکتر اوپهوف به همراه دکتر آزمایش و آقایان هلموت گابل و علی بابایی از دیگر ارائه دهندگان مباحث طرح شده در این پانل بودند

در بخش تبادل نظر این قسمت از برنامه، شرکت کنندگان به اظهار نظر در خصوص بحث های مطرح شده پرداختند و مسائلی از قبیل اولویتهای فرهنگی یا سیاسی برای تغییر در ایران از جمله نقاط بحث برانگیز این پانل بشمار میرفتند

در این میان از خانم مینا احدی در خصوص عضویتشان در رهبری حزب کمونیست کارگری ایران و اینکه آیا این موضوع موجب احتیاط مردم در پذیرفتن يك جریان کمونیستی به عنوان آلترناتیو سیاسی رژیم جمهوری اسلامی نمیشود نیز سوال شد

گزارش مشروح این اجلاس بزودی به سمع و نظر شما عزیزان خواهد رسید

۲۶ مارس ۲۰۱۰

روز جمعه ۲۶ مارس ۲۰۱۰ در شهر بن آلمان و در چهارچوب سی و هشتمین اجلاس سراسری جامعه بین المللی حقوق بشر مجموعه برنامه هایی با موضوع "نقض حقوق بشر در ایران" برگزار شد.

این اجلاس که در محل انستیتوی Gustav Stresemann و با حمایت و زیر نظر آقای پروفیسور یه ژه بوزک، رئیس پارلمان اروپا برگزار میشود، برنامه های مربوط به ایران را از ساعت ۱۱ صبح روز جمعه و با برگزاری يك کنفرانس مطبوعاتی با عنوان "حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران" و با حضور تعداد قابل توجهی از خبرنگاران آغاز نمود.

در این کنفرانس مطبوعاتی، ابتدا خانم مینا احدی، در مورد "نقض حقوق انسانی در ایران، دیدگاه خود را نسبت به آزادی و احیای حقوق انسانی شهروندان ابراز داشته و نیز با چشمندازی به آینده، بر لزوم تعهد دولت آینده ایران نسبت به رعایت و دفاع از آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده تاکید نمودند"

سپس خانم مهین موسی پور و آقای آزمایش به ترتیب در خصوص نقض حقوق مسیحیان و دراویش توسط دولت جمهوری اسلامی توضیحاتی ارائه دادند.

سخنران بعدی آقای علی بابایی از سوی گروه "United 4 Iran" در خصوص سرکوب و دستگیری های اخیر معترضین طی ماههای گذشته سخنانی را ابراز داشتند.

سپس، آقای رضا پهلوی از سوی "جنبش برای آزادی ایران" در خصوص ساختن يك جامعه مدنی در ایران نقطه نظرات خود را بیان کردند.

در بخش دوم این کنفرانس مطبوعاتی، خبرنگاران حاضر در جلسه سوالات خود را مطرح نمودند و پس از پاسخگویی سخنرانان، کنفرانس مطبوعاتی به پایان رسید.

بعد از کنفرانس مطبوعاتی، ساعت ۱۷ پانل دیگری در خصوص ایران برگزار شد

در این پانل سخنرانان به بحث حول نقض حقوق اقلیت های مذهبی



یک حربه مهم اعمال فشار برعلیه زنان، دانشجویان و کلابرعلیه مردم و برای سرکوب هرگونه اعتراضی است.

ما فعالیت های گسترده ای در ایران داریم و سعی کرده ایم بویژه چهره زنانی که در زندانها به سر میبرند را مطرح کنیم، و بر علیه اعدام آنها و همه اعدامها در ایران مبارزه کنیم.

سعی کرده ایم به این زنان ناشناس چهره بدهیم و جامعه رو مطلع کنیم که این زنان چه کسانی هستند و برای چه در زندان بسر میبرند. چندان توجه دارند؟ چه امید ها و چه آرزوهایی دارند؟ یا حتی چه نوع موسیقی را دوست دارند؟

ما کارهای رسانه ای متعددی انجام داده ایم. همینجا ایرانیهایی حضور دارند که من رو میشناسند و با مبارزات من علیه اعدام آشنایی دارند.

مستقل از تعلق سیاسی هریک از این دوستان، میتوانند این فعالیتها و وجود این جنبش عظیم علیه اعدام در ایران را تایید کنند. ما تلاش میکنیم به این جنبش چهره و صدا بدهیم.

اینجا میخواهم اعلام کنم که این رژیم با قوانین اسلامی اش فرم پذیر نیست و اینرا بعنوان يك فعال سیاسی با سابقه سی سال مبارزه مطرح میکنم.

هشت سال تمام خاتمی رئیس جمهور ایران بود و از رفرم صحبت میکرد. در تمام این مدت ما علیه سنگسار مبارزه میکردیم و گه

صفحه ۴

خواهش میکنم کاری نکنید. طنین این جملات همیشه در گوشم است. بطور مثال علی مهین ترابی به من تلفن کرد و گفت: میتونید با مردم در آلمان صحبت کنید؟ میتونید کاری کنید؟ من دارم ۱۸ ساله میشوم!؟

میدونید چرا؟ برای اینکه رژیم اسلامی هم اکنون ۱۶۰ نوجوان رو در زندانهایش دارد، که پس از اینکه ۱۸ سال شدند اعدامشان می کند، و این نوجوانان از روز تولد ۱۸ سالگی شان میترسند.

ما امروز در مورد يك رژیم وحشی اسلامی و بیرحم صحبت میکنیم. حتما میدانید که در ماههای گذشته جوانان و مردم به خیابانها آمدند، فریاد زدند: مرگ بر دیکتاتور! مرگ بر خامنه ای!

پس از آن رژیم اعلام کرد که این جنگ بر علیه خداست! و تعدادی از معترضین دستگیر شده به اتهام محاربه با خدا به اعدام محکوم شدند.

من معتقدم که در ایران نه تنها جنبش عظیمی بر علیه اعدام وجود دارد، بلکه بسیاری از جوانان میگویند اگر خدا چیزی شبیه به خامنه ایست، ما این خدا را هم نمیخواهیم.

این جنبش بسیار عظیم است. مثلا در شهر سیرجان مردم چوبه های دار را به آتش کشیدند و دو تن از محکومین به اعدام رانجات دادند. اما متأسفانه رژیم موفق شد این دو جوان را دوباره دستگیر و اعدام کند.

میدانید ماهیت اعدام چیست؟ اعدام یعنی قتل عمد دولتی! اعدام

خیابان آمدند و فریاد زدند "نه روسی! نه توسی!" اما جمهوری اسلامی موفق شد ما رو سرکوب کند. بعد از آن اگر کسی میگفت که روسی سر نمیکنم و یا علیه رژیم اسلامی حرفی میزد و یا مثل ما با ماشین تحریر شبنامه علیه این رژیم وحشی و ارتجاعی مینوشت، دستگیر و اعدام میشد.

وقتی پاسدارها به منزل من یورش آوردند و همسر را به همراه ۵ تن دیگر دستگیر کرده با خود بردند من خونه نبودم، اما آنها را پس از یکماه اعدام کردند.

وقتی همین جا می شنوید که چگونه پاسدارها شبانه به خونه امثال ما حمله میکردند و عزیزانمان را میبردند و به جوخه های اعدام میسپردند و هنگام تحویل جنازه ها پول گلوله های شلیک شده را طلب میکردند، میتونید احساس من و میلیونها ایرانی دیگر را نسبت به واژه اعدام درک کنید.

اما متأسفانه رابطه من با این واژه تنها محدود به این تجربه تلخ نیست. در آلمان هم هر چهارشنبه برای من يك روز سیاه است. برای اینکه همیشه سه شنبه ها لیستی از نام افرادی را دریافت میکنم که قرار است فردای آنروز اعدام شوند.

به همین دلیل من چهارشنبه ها ساعت چهار صبح از خواب بیدار می شوم. برای اینکه این ساعتی است که در ایران محکومین به اعدام را میکشند.

نوجوانانی از زندان به من تلفن میکنند و میگویند خاله مینا من يك هفته دیگه ۱۸ ساله میشوم

## شاید در زندان آزادتری، دل نوشته ای از همسر و فرزندان جعفر پناهی



نه جعفر! جوابش نه بود. این همه به شوخی از ما پرسیدی و ما این همه بی توجه از کنار سؤالت رد شدیم. تا بالاخره آنها به خانه ما آمدند و به سؤالت جواب دادند! آنها در خانه ما بودند و ما هر کدام گوشه ای ایستاده بودیم. به هر جای خانه سر می زدند، می گفتند، بیرون می ریختند، ولی ما هر کدام با دست های بسته گوشه ای ایستاده بودیم. کامپیوتر، دوربین، فیلم ها، کاغذ های یادداشت، دفترچه ها، ... همه این ها را جمع می کردند و می بردند. مهم نبود. فقط می خواستم رفت و آمدشان قطع شود تا لحظه ای نگاهمان به هم بی افتد. می دانستم تو هم نگاهت به دنبال من و سولماز است. کارهایشان که تمام شد، قبل از این که ما را هم، مثل همان خرت و پرت ها جمع کنند و ببرند، بالاخره همدیگر را پیدا کردیم. تو فقط توانستی دست های بسته ات را کمی بالا بگیری و به من لبخند بزنی. خدا می داند همه توانم را جمع کردم که لبخندم بزرگ تر از تو باشد و، دست هایم بالاتر. در دلم به تو گفتم: مهم نیست. اقلا با همیم. من و تو و سولماز. پناه هم حتما پیش دوست هاشه، جاش هم امن... خیالی نیست. خیالی هم نبود، ما که همیشه پشت همیم. ولی خدا می داند چه قدر تلاش کردم که بماند آن لبخند بر صورت، که پنهان کند ناراحتی ام را از فکر کردن به تو، تو که هر چه می شد به شوخی از ما می پرسیدی: یعنی آدم تو خونه خودش هم نمی تونه آزاد باشه؟ آخرین بار با دست های بسته در خانه ات ایستاده بودی

عمه فوت کرده بود و من که آن موقع کوچک بودم، نگاهم همه اش به تو بود. فکر می کردم مگر بابا از مردن خواهرش ناراحت نیست؟ طول کشید تا بفهمم تو ممکن است ناراحت

نکرده بودی. و حالا برای آخرین بار در خانه جلوی من ایستاده بودی و صورتت خیس بود.

اگر فکر کنی توی این مدت که نیستی بهتر شدم، اشتباه کردی. بدتر شدم، که بهتر نشدم! فقط دیگر کسی حال و حوصله غر زدن سرم را ندارد که پناه! چرا این قدر ساکتی، دو کلمه هم با آدم حرف نمی زنی ... زیاد با هم حرف نمی زدیم. من فکر می کردم که بهتر از هر کس میفهمم چرا تو توی این چند سال زیاد حوصله حرف زدن نداشتی، بی کاری و نشستن در خانه برای آدمی که تمام زندگی اش در سینما خلاصه می شد... من می فهمیدم، ولی چه کنم که من هم ساکت بودم و چیزی از این ها با تو نمی گفتم! آن شب دیروقت توی خیابان قدم می زدم. فکر می کردم به تو که بالاخره داشتی فیلم می ساختی. خوشحال بودم از تصمیمی که گرفتی، چون فیلمسازی برای تو یعنی برگشتن انرژی و زندگی و شکسته شدن آن سکوت لعنتی. قدم می زدم و فکر می کردم که تا چند دقیقه دیگر پیش تو هستم و مثل تو پرنرزی و پرحرف. خوشحال بودم از این که نزدیک میشوم به خانه، به کوچه بن بست که این چند سال برگشتن از خانه دوستهایم به آن معنی بن بست و نامیبی می داد، ولی حالا چند روز بود که همه چیز عوض شده بود و ... توی کوچه شلوغ بود، آدم هایی با لباس های یکدست، بی سیم به دست، دو تا ون بزرگ مشکی. سر کوچه پشت درختی قایم شدم و نگاه کردم به آن ها، که وسایلی را در کیسه های مشکی داخل ماشین می کردند، و بعد آدم ها را، که یکی یکی با دست های بسته از در ساختمان بیرون میامدند. تمام گروه فیلمبرداری، تو، حتی مامان و سولماز. همه تان را سوار کردند. خشمم زده بود. ماشینها دنده عقب از کوچه بیرون آمدند و دور شدند. همه چیز شبیه به فیلمی شده بود که در سکانس بعدش من تنها، در خانه به هم ریخته و خالیمان ایستاده بودم. بقایای به هم ریخته وسایل فیلمبرداری و لوازم صحنه، و فیلمی که نگذاشتند هیچ وقت به پایان برسد. فیلمی که اگر ساخته میشد، قرار بود تنها به سادگی روایتگر

## سخنرانی مینا احدی در ...

از صفحه ۳

گاهی نیز با خود آقای لژنتین که در اینجا ریاست جلسه را دارد، کنفرانس مطبوعاتی داشتیم. از این جهت جامعه بین المللی حقوق بشر با فعالیتهای من آشنایی دارد.

تفاوت بین خاتمی و رئیس جمهور پیش از او تا آنجا که به مسئله اعدام مربوط میشود در این بود که در دوران خاتمی، سنگسار در ملا عام انجام نمیشد بلکه پشت درهای بسته زندان سنگسار میکردند. من این را رفرم نمیدانم!

من اینجا به عنوان یک زن اعلام میکنم که رابطه جنسی یک مسئله کاملاً شخصی است و هیچ کس، هیچ مردی و هیچ دولتی اجازه دخالت در این مسئله شخصی را ندارد. اگر زنی رابطه جنسی خارج از ازدواج دارد، به خودش مربوط است و هیچ کس حق تعیین تکلیف برای او را ندارد، چه برسد به اینکه او را سنگسار کنند.

آیا این رفرم است که من پشت درهای بسته سنگسار شوم و نه در ملا عام؟ خیر این رفرم نیست! امروز در ایران با خشم فراوان، میلیونها نفر قیام کرده و به خیابانها رفته اند. من اسم انقلاب جاری را انقلاب سبز نمیگذارم. بلکه این انقلاب جوانانست که به خیابانها آمده اند! این انقلاب پرور خشم میلیونها جوان، کارگر و زنان و مردانست که فریاد زندن مرگ بر دیکتاتور! که فریاد زدند ما دیگر این قوانین اسلامی را نمیخواهیم!

به نظر من ما در خارج کشور باید مواضع صریح اتخاذ کنیم در این باره که در ایران جنبش عظیمی علیه قوانین وحشیانه اسلامی و بر علیه اعدام و سنگسار و حجاب اجباری و آپارتاید جنسی وجود دارد، بدون لکنت زبان باید حرف بزنیم. من از این تریبون رو به دولتهای اروپایی صریحاً اعلام میکنم که این دولتها به مردم ایران کمک نکرده اند بلکه همیشه با رژیم اسلامی تجارت و داد و

ستد داشته اند. من بارها به پارلمان اروپا رفته ام. آقای بوزک، رئیس پارلمان اروپا که اینجا تصویرش پشت صحنه گذاشته شده است مرا میشناسد. بارها به ایشان در مورد اعدامها ایمیل داده ام و البته ایشان همیشه پاسخ این ایمیل ها را داده اند. من در برلین و سایر شهرها با مقامات دولتها، در مورد اعدام و سنگسار صحبت کرده ام و همواره به این مسئله انتقاد کرده ام که نمیتوان ۳۰ سال شاهد اعدام و سنگسار و اعمال خشونت بود و سکوت کرد. این غیر قابل قبول است. گویا به این ترازوی و این نقض فاحش حقوق انسانها عادت کرده ایم!

رژیم اسلامی یک رژیم آپارتاید جنسی است و درخواست من از اروپائیان اینست که با رژیم جمهوری اسلامی مثل حکومت آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی برخورد کنید. همه سفارتخانه های جمهوری اسلامی باید بسته شوند. اروپا میتواند در کنار مردم ایران بیایستد. من به نمایندگی از طرف مردم ایران اعلام میکنم که ما بمب اتم نمیخواهیم! جنگ با غرب نمیخواهیم. ما حکومتی مدرن و سکولار میخواهیم که در آن تمام حقوق بشر عملی شود. که در آن هیچ گونه مقدساتی وجود نداشته باشد. حکومتی که در آن آزادی بیقید و شرط بیان تضمین شده باشد.

خیلی متشکرم

.....

ترجمه سخنرانیها

مریم جبارزاده

۲۶ مارس ۲۰۱۰

اطلاعیه شماره يك:

## جمال را آزاد کنید! برپایی تظاهرات در برابر بازداشتگاه جمال صابری در ژاپن



اقدام جهانی ۳۱ مارس، برپایی تظاهرات در برابر بازداشتگاه جمال صابری در ژاپن حضور فعال فرشاد حسینی در کنفرانس مطبوعاتی در توکیو جمال را آزاد کنید!

بنا به گزارش نماینده اعزامی کمپین "جمال را آزاد کنید" به توکیو، امروز چهارشنبه ۳۱ مارس تظاهراتی در مقابل بازداشتگاهی

که جمال صابر در آن بسر میبرد برپا شد. در این تظاهرات فرشاد حسینی نماینده فدراسیون نیز شرکت داشت.

امروز همچنین نماینده اعزامی ما در کنفرانس مطبوعاتی آقای بوستامانتا، بازرس ویژه سازمان ملل برای رسیدگی به وضع پناهندگان در ژاپن حضور داشت. آقای بوستامانتا گزارش مشروحی از وضعیت پناهندگان در ژاپن ارائه کرد. سخنان فرشاد حسینی در این کنفرانس در مورد جمال صابری و اوضاع ایران و رژیم جنایتکار اسلامی و رفتارهای غیر بشری دولت ژاپن مورد توجه آقای بوستامانتا و استقبال خبرنگاران و حاضرین قرار گرفت. چندین خبرنگار

با فرشاد حسینی مصاحبه کردند.

تا همینجا روز ۳۱ مارس یک موفقیت برای همه کسانی که علیه وضعیت اسفبار پناهندگان در ژاپن مبارزه میکنند و بویژه برای کمپین "جمال را آزاد کنید" بود. امروز در شهرهای لندن، برلین، استکهلم، تورنتو، فرانکفورت و کپنهاگ نیز اقداماتی در دستور است. اخبار این اقدامات و مشروح گزارش امروز در ژاپن را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع خواهیم رساند.

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی  
۳۱ مارس ۲۰۱۰

## صدور حکم بر آنت محمود صالحی پس از گذشت یکسال



همانطور که مردم عزیز و کارگران اطلاع دارند، محمود صالحی در تاریخ ۲۰/۱/۸۶ به اتهام شرکت در مراسم اول ماه مه (روز جهانی کارگر) سال ۸۳ در شهر سقز توسط نیروهای انتظامی دستگیر و در دادگاه تجدید نظر استان کردستان به یک سال زندان محکوم شد و برای سپری کردن زمان محکومیت خود به زندان سنندج انتقال یافت. پس از تحمل یکسال زندان و اتمام محکومیت، قرار بود نامبرده در تاریخ ۳/۱/۸۷ آزاد گردد. اما به علت شکایت اداره اطلاعات و مستولان زندان مرکزی سنندج، در تاریخ ۲۸/۱۲/۸۷ از طرف دادپار آقاي مبارکی برای ایشان حکم بازداشت موقت صادر شد و محمود صالحی در اعتراض به این حکم اقدام به اعتصاب غذای خشک نمود و پس از سپری شدن ۱۸ روز، محمود در تاریخ ۱۸/۱/۸۷ با قرار وثیقه ۴۰

میلیون تومانی از زندان آزاد شد. دادگاهی محمود به اتهام تبلیغ علیه امنیت کشور از طریق انتشار مقاله در حمایت از کارگران خاتون آباد و پیام به دانشجویان در روز دانشجو در سال ۱۳۸۷ در تاریخ ۱۸/۱/۸۷ در شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج با ریاست قاضی حسن بابائی برگزار گردید. سرانجام، دادگاه پس از گذشت ۲۳ ماه، حکم بر آنت محمود صالحی را صادر نمود و در تاریخ ۷/۱/۸۹ این حکم به محمود صالحی ابلاغ گردید. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ۷ فروردین ۸۹

میشود. چه سال نویی، که همه حواس پیش دستهای توست...

دائم دلیلی برای گریه کردن هست، و من مثل تو نیستم بابا، که آنها را ببینم و جلوی خودم را نگه دارم. تو را اذیت می کنند و من گریه می کنم، تو را به زندان می برند و من گریه میکنم. تو در زندان میمانی و من گریه می کنم. تو در زندان میمانی و من گریه می کنم. تو در زندان میمانی و من گریه می کنی و من گریه میکنم. در تلویزیون همزمان با تحویل سال، چند تا تانک نشان می دهند که دارند شلیک می کنند. و من گریه ام از سر این فکر است که جایی زندگی می کنم که در آن نشان عید، تانک و گلوله است، و هدیه عید، زندانی بودن پدرم. این اولین سال است که دوست داشتم روزهای عید نیایند، و حالا که آمده اند، زودتر تمام شوند. روزهای عید تلخ تر از روزهای کاری اند. در روزهای کاری لااقل امید می رسیدگی به پرونده و آزادی تو هست، ولی عید و تعطیلی، یعنی سراسر ناامیدی... بعضی وقتها هست که فقط يك نفر تنهایی ات را پر می کند. آن يك نفر که نباشد، در حضور هزار نفر دیگر هم تو بیشتر حس می کنی که تنهایی. حالا هم دوست های زیادی پیش ما جمع می شوند تا تنها نباشیم. تانک ها در تلویزیون شلیک می کنند و تمام جاهای نشستن در خانه پر است. همه مبهوت تصویر

تانک ها، و حواس من می رود سمت تنها جای خالی، صندلی پشت میز کامپیوتر، جای همیشگی تو. یاد است هست که چقدر سر آن دعوا داشتیم؟ تا تو بلند میشدی پشت آن مینشستم و به اینترنت می رفتم. حالا صندلی همه اش خالی است، ولی رغبتی نیست. در اینترنت تنها چیزی که به چشم می آید خبر دستگیری توست، و همین صندلی خالی هم هر لحظه دارد این خبر را به من میدهد. گفتم که، دائم دلیلی برای گریه کردن هست. نگاه کردن به يك صندلی من را به گریه میاندازد، و من اصلا مثل تو نیستم بابا از وقتی که تو نیستی، بدتر شده ام. زیاد با کسی حرف نمی زنم. قدم می زنم در خیابان، در کوچن به بستانم، در خانه، در اتاقم... خیال می کنم همه جا صحنه فیلمبرداری است، و من همیشه درست لحظه ای می رسم که گروه فیلمبرداری را دستگیر کرده اند و برده اند. خیال میکنم درون فیلمی قدم میزنم که هیچ وقت تمام نشده و نصفه، وصل شده به سکوتی بی نهایت: کارگردان در زندان است و هیچ حرفی برای گفتن نیست... با

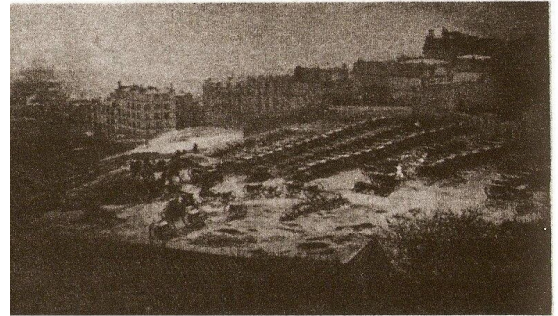
هر قدم سکوتم بدون تو، بزرگ تر شده ام، و حالا فکر می کنم که کارگردان همیشه در زندان بوده. يك بار به من گفتی: وقتی نمیکردن کار کنی، انگار همه اش توی زندانی. و حالا دوست دارم ببینم تا با تو حرف بزنم. و بگویم شاید بیشتر از هر کس میفهمم که تو خیلی وقتها پیش، قبل از این يك ماه، به زندان افتاده بودی، تنها، و برای همین با کسی حرف نمی زدی. میفهمم برای کسی که تمام زندگیش در سینما خلاصه می شود، بی کاری بدترین زندان است. این که می توانستی هر جا قدم بگذاری که صحنه کارت باشد، اما عذاب می کشیدی، چون نمیکذاشتند کار کنی، چون در زندان بودی

\* \* \* \*

سال نو مبارک  
طاهره سعیدی،  
سولماز و پناه پناهی

## به یاد کمون ...

از صفحه ۱



محل استقرار توپخانه گارد ملی در مونمارتر

مرکزی گارد ملی باشند. اما اشراف و اعیان محلات زیبای شهر، با شتاب و توسل به هر وسیله ای سعی داشتند که از پایتخت بگریزند. موج جمعیت در خیابانها فرار مفتضحانه ژنرالها، سلطنت طلبان و بورژوازی پاریس را با شادی و نشاط بدرقه میکرد. اعلامیه های گارد ملی به دیوارها نصب شده بود که در آن خطاب به مردم شهر نوشته شده بود: "خلق پاریس یوغی را که میخواستند به گردنش ببازیند به دور انداخته است. حکومت نظامی ملغی شده است..... فرانسه و پاریس چنان حکومت جمهوری را پایه گذاری خواهند کرد که برای همیشه به دوران تهاجمات و جنگهای خانگی پایان خواهد داد"

اعلام تشکیل حکومت کمون با امضای بخشی از رهبران کارگران و فرماندهان انقلابی گارد ملی صادر شده بود.

با تشکیل حکومت کارگران در پاریس، زمینداران، بانکداران، سرمایه داران، کشیشان، ژنرالهای ارتش و انگلها به کاخ ورسای در چند کیلومتری پاریس گریختند.

سیاستمداران از قدرت عزل شده به همراه ژنرالهای قاتلی چون تییر، سلطنت طلبان و پارلمانتاریستها از همان بدو استقرار در ورسای در صدد به زیر کشیدن حکومت کارگری برآمدند. با همکاری دولتهای همجوار تلاش داشتند که حکومت جدید را حکومت یک مشت افراد ضدملی، بیگانه پرست، جنایتکار و بی سروپا معرفی کنند. ورسای به کلیه کارمندان و نظامیان پیام داد که با حکومت جدید همکاری نکنند و بعدها با اعدام کموندارها و

می توانست عضو آن باشد یگانه نیروی مسلح پذیرفته شده است.

روز بعد فرمانی صادر شد مبنی بر اینکه اعضای منتخب بمنظور اداره امور محلی مسئولیت شهرداریهای بخشهای مختلف شهر را بعهده میگیرند و به آنها اختیار داده شد که کمیسیونهایی را برای حل و فصل مسائل محل انتخاب کنند. کلیه فعالیت دستگاه اداری باید در خدمت و تحت نظارت مردم قرار داشته باشد و میتوان آنها را عزل و نصب کرد. جدا کردن کلیسا از دولت، حذف بودجه مربوط به انجام مراسم مذهبی و توقیف اموال کلیسا مورد مخالفت اعضای بین الملل که تحت تاثیر افکار پرودونی بودند قرار گرفت. آنها از مصونیت اموال کلیسا دفاع میکردند. جدا کردن کلیسا از دولت و توقیف اموال آن با اکثریت به تصویب رسید.

کارل مارکس در باره این فرمان چنین نوشته است: "همینکه کمون از کار انحلال ارتش دائمی و پلیس، این دو ابزار قدرت مادی دولت سابق، فراغت یافت درصدد برآمد تا ابزار معنوی سرکوب و اختناق توده ها یعنی "قدرت کشیشان" را نیز درهم بشکند، کمون فرمان انحلال همه کلیساها و مصادره اموال آنان را در مقیاسی که مالک شمرده میشدند تصویب کرد."

در روز ۶ آوریل، گردان ۱۳۷ گارد ملی مامور یافتن و سوزاندن دستگاه گیوتین شد و آن دستگاه، در غوغای شادمانی عمومی مردم در ملا عام سوزانده شد. در ۲ آوریل، کمون تصمیم گرفت ستون پیروزی میدان واندموم (Vendome) در پاریس را، که مظهر میهن پرستی افراطی و عامل تفرقه انداز بین اقوام بود و پس از پیروزی در جنگ ۱۸۰۹، با ذوب کردن توپهای به غنیمت گرفته شده ریخته گری شده براندازند. و این کار در ۱۶ مه همان سال انجام گرفت.

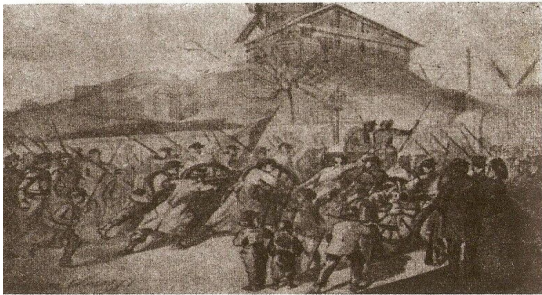
در ۵ ماه مه، کفاره گاهی که بعنوان طلب مغفرت از گناه اعدام لوثی پانزدهم توسط هواداران او برپا شده بود به دستور کمون خراب گردید. اقدامات کمون سبب ابراز خشم شدیدی از جانب ورسای و کلیه مطبوعات بورژوازی گردید. خشم و نفرت آنها ناشی از این واقعیت بود

که کلیسا پس از سلطه سرمایه داری در فرانسه تبدیل به ابزار انقیاد روحی و فکری مردم شده بود زیرا که سلطه بورژوازی را تغییر ناپذیر و ابدی جلوه میداد.

در اواخر ماه مارس کمون، پروتورا به وزارت دادگستری برگزید تا به پرونده ها رسیدگی کند و آزادی فردی شهروندان را تامین نماید. در روزهای نخستین ماه آوریل حدود ۵۰ نفر از زندانیان آزاد شدند. همچنین کمیسیون اجرائی کمون تصمیم گرفت که کلیه پرونده های زندانیان باید فوراً مورد رسیدگی قرار گیرند و آنها یا باید بلافاصله آزاد شوند و یا به پای میز محاکمه بیایند. در آن قرار تاکید شده بود که: "کمیسیون باید به فوریت هر چه تمامتر به حل و فصل مساله ای بپردازد که تا این حد با یکی از مهمترین اصل جمهوری یعنی با

موسسات قضائی مورد نظر خود را خلق کند، با این وصف فقط کمون بود که توانست شکافی در دستگاه قضائی بورژوازی آن دوران پدید آورد.

پس از فرار تییر به ورسای حتی یک نفر کارمند نه در تالار شهرداری مانده بود و نه در بخشهای مختلف اداری. اکثر مسئولین جدید کمون برای پی بردن به کارهای اولیه اداری به دربانها و یا نظافت چی ها متوسل میشدند. با این حال کارکنان جدید بسیار سریع کارها را در دست گرفتند و حتی کارهای انباشته شده چندین ماهه دولت سابق را انجام دادند. از آنجائیکه شهروندان بر فعل و انفعالات اداری نظارت مستقیم داشتند و طبق برنامه کمون میتوانستند آنها را عزل و نصب کنند، از آنجائیکه کارها سریع و در کمال دلسوزی



افراد گارد ملی، با کمک مردم، توپخانه خود را پس میگیرند و به مونمارتر برمیگردانند.

انجام میگرفت و حل مشکلات افراد و جامعه، احترام و آرامش آنها در درجه اول اهمیت قرار داشت همکاری و دخالت توده مردم پاریس هر روز با سیستم جدید گسترده تر میگردد.

پاریس هیچگاه به اندازه آن روزها سر زنده و پرشور نبود. میادین، کافه ها و تاترها از جمعیت پر بودند. در شهر اثری از پلیس و دژبان دیده نمیشد. اکنون "تفنگدار" فقط گارد ملی بود که دیگر کارگران از آنها واهمه ای نداشتند.

کمون اقدامات بسیار ارزنده و مهمی را بمورد اجرا گذاشت که می توان بطور خلاصه چنین بیان کرد:

۱- کلیه اموال و ثروت کلیسا را مصادره کرد و مدارس را از تسلط کلیسا بدر آوردند.

۲- دادگستری و آموزش و پرورش را از مذهب جدا کرده و قضاات انتخابی شدند

از صفحه 6 به یاد کمون ...



## واژگون کردن برج واندوم

۳- کارگاههای بزرگ را به تعاونیهای کارگری سپردند

۴- کمیوتین و وسائل شکنجه را بلافاصله به آتش کشیدند

۵- کلیه بدیهی های کارگران به بانک و از جمله بدیهی اجاره خانه ها را بخشیدند

۶- وسائل کارگرانی را که نزد بانک رهنی بود به کارگران باز گرداندند

۷- ارتش را منحل کرده و تسلیح همگانی برقرار کردند

۸- کمون اعلام کرد که درفش کمون، درفش جهانی است

۹- کمون پاریس، زمین را از آن دهقانان، ابزار را از آن کارگران و کار را حق طبیعی همگان اعلام کرد.

۱۰- اداره کاربایی را از کنترل پلیس در آورده و به شهرداریهای ۳۰ شعبه در نقاط مختلف پاریس سپرد.

۱۱- کموناردها برج "وان دم" مظهر برتری ملت فرانسه را واژگون کردند (این برج از طریق ذوب توپهای بغنیمت گرفته شده در جنگهای استعماری ناپلئون ساخته شده بود)

۱۲- کمون کار شبانه نانوائیها را ممنوع اعلام کرد

۱۳- ..... ولی، همه این اقدامها در شهری که در محاصره دشمن قرار داشت، البته نمی توانست فوراً به تحقق

آن افرادی کاردان، جسور و لایق بودند کسانی که بخشی از آنها عضو بین الملل و بعدها در انتخابات کمون انتخاب شدند و اولین دولت کارگری را تشکیل دادند.

مارکس در نامه ای به ویلهلم لیبنکخت چنین نوشت: "پاریسیان شکست خواهند خورد، و این شکست محرز است و تقصیر خودشان هم هست، تقصیری که بطور کلی ناشی از زیاده روی ایشان در شرافت و درستی است. ابتدا کمیته مرکزی و سپس کمون به آن تی بر بدجنس فرصت دادند که نیروهای دشمن را متمرکز کنند، به دو جهت نخست آنکه از روی حماقت نخواستند جنگ داخلی راه بیفتد. انگار تی بر با تلاش خود برای خلع سلاح پاریس به زور، اول بار خودش جنگ داخلی را راه نینداخته بود.

ثانیا به صرف اینکه متهمشان نکنند که از قدرت سواستفاده کرده اند بجای اینکه پس از شکست ارتجاع در پاریس بلافاصله به ورسای حمله کنند و کار دشمن را یکسره کنند با مشغول شدن به انتخابات کمون که سازماندهی و سایر کارهای آن وقت زیادی میخواست وقت گرانبهایی را تلف کرده اند." در نامه معروف مارکس به گوگلمان در تاریخ ۱۲ آپریل ۱۸۷۱ آمده: "تاریخ هنوز از این بزرگتر عرضه نکرده است. اگر آنها از پا در آیند علت فقط اخلاق خودشان است که "بچه های خوبی" هستند. میبایست بعد از آنکه ابتدا ژنرال وینوا و سپس عناصر ارتجاعی گارد ملی پاریسی میدان را خالی کردند بلافاصله به ورسای حمله ور شوند."

کمیته مرکزی درنخستین اعلامیه های خویش بارها تاکید کرده بود که همیشه به اختیارات خود به چشم موقت نگریده و هر وقت کمون بخواهد آن اختیارات خود را منتقل خواهد کرد. آنها که مظهر و نماینده انقلاب و صدها

هزارنفر از کارگران پاریس بودند، فرصتهای گرانبهائی را از دست دادند و ضد انقلاب ساکن در ورسای را بحال خود گذاشتند. در حالیکه ورسائیان برای تبلیغات و جمع آوری نیرواز پولهای بانک مرکزی در پاریس استفاده میکردند، کموناردها بانک را در اختیار خود نگرفتند.

انقلاب ۲۸ مارس و اقدامات کمون، زمینداران، سرمایه داران و کلیه نیروهای مرتجع منطقه را متوجه خطر بزرگی که از طرف کارگران آنها را تهدید میکرد نمود. روزنامه ها و ارگانهای وابسته به طبقات حاکم، با تنفر و خشم از کموناردها یاد میکردند و آنها را "عده ای از ولگردان رذل بی پدر و

در هفته آخر ماه مه تی بر به پاریس لشکرکشی کرد و با مقاومت سختی از طرف زنان و مردان پاریس مواجه شد. جنگ ۸ روز در جریان بود که در آن تی بر هزاران نفر را به خاک و خون کشید. روز بعد از تسلط تی بر بر پاریس، حدود پنج هزار نفر از اسیران را قتل عام کردند. همان موقع مارکس نوشت "تاریخ چنان قاتلین کمون پاریس را به چهار میخ کشیده که دعای کشیش هایش هرگز قادر به نجات آن نخواهد بود."

خاطره مبارزین کمون، جسارت و فداکاریهای آنها در دل کارگران، محرومین جامعه و آزادیخواهان برای همیشه زنده خواهد ماند. زیرا که آنها برای رهایی بشریت مبارزه



تابلوی دیوار هم پیمانان (موزه لوور)

کردند و هدف آنها تاسیس دولتی کاملاً جدید بود که رفاه و آسایش شهروندان از مقدسات آن بود. زنده باد کمون پاریس

توضیح: منبع بخشی از فاکتهای این مقاله از مقدمه انگلس بر "جنگ داخلی در فرانسه" و "کمون پاریس ۱۸۷۱" که زیر نظر ا.ژلویوفسکیا و (آ. مانفرد-آ. مولوک) تنظیم گردیده، می باشد.

\*\*\*

مادر که زمام امور را بدست گرفته اند" و یا کمیته مرکزی گارد ملی را "افرادی مشکوک، ناشناخته و جنایتکاران فراری از زندان" نام میبردند و اقدامات کمون را با نثار فحشهای رکیک رد میکردند. پروس دهها هزار سرباز اسیر فرانسوی را بمنظور کمک به تی بر از زندان آزاد کرد.

تی براسیران کمون را بدون محاکمه تیرباران می نمود. کمون ناچار شد برای حمایت از جان اسیران خود و در مقابل عمل غیر انسانی کشتن کموناردهای اسیر، از هواداران ورسای گروگان بگیرد.

مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Degrees West v@ A/NILESAT:AB.Satellite

۱۰.۸۷۲.Freq

Vertical.Polarity

۲۷.۵۰۰.Symbol Rate

۳/۴:Fec



www.hekmat.public-archive.net  
www.wplran.org

مجازات اعدام  
فورا لغو گردد.  
یا هر نوع مجازات  
متضمن تعرض به جسم  
افراد (نقص عضو، تشبه  
بدنی، و غیره) تحت هر  
شرایطی ممنوع است.  
همچنین مجازات حبس  
ابد باید لغو شود.

یک دنیای بهتر  
برای همه ما

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

## سوئد:

Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

## کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

## هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

## آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrsswift code : BOFAUS

## شماره حساب انگلیسی

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

## از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و

مرد

- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش.
- ۷- آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۸- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۹- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۱۰- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۱- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

اساسی سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!